



بازجست سرزمین «واق واق»

جغرافیدانان مسلمان درباره جایگاه این جزیره چه می‌گویند؟

یوسف الهادی

ترجمه جو یا جهانبخش



از وی انتقاد کرده است. او هنگام یادکرد سرزمین واق واق می‌گوید: «مسعودی از این سرزمین چیزهائی حکایت نموده است که خرد راست بودنشان را نمی‌پذیرد» (۱-۹۱).

یادآوری می‌کنیم که مسعودی هنگامی که به مجاورت واق واق با سرزمین سَفَّالَه (موزامبیک کنونی) اشارت نموده، از واق واق یاد کرده است: «سرزمین سَفَّالَه و واق واق از دور دست‌ترین نواحی سرزمین زنج هستند» (مروج الذهب، ۱/۱۲۳، ۴۲۴). وی همچنین درباره سرزمینهای دور دست بحر زنج گوید: «سرزمین سَفَّالَه است و اقصای آن بلاد واق واق - در برخی نسخ: و سرزمین سَفَّالَه و اقصای بلاد واق واق - و آن سرزمینی زرخیز و شگفت‌انگیز است» (ص ۴۲۵). زیستگاههای زنج، از حد خلیج منشعب شده از فراز نیل است تا بلاد سَفَّالَه و واق واق. مؤکد نزدیک بودن سَفَّالَه و واق واق بدین مناطق، گفتار ناخدا بزرگ در عجائب الهمند (ص ۱۷۴-۱۷۵) است که گزارش می‌کند اهل واق واق به سال ۳۳۴ هـ. با حدود هزار قایق به جزیره قنبله (یا قنبلو که مرجحاً همان زنگبار است) هجوم آوردند و جنگی سخت با ساکنان این جزیره بکردند، لیک بر قنبله - که گرداگردش حصنی منیع بود و پیرامون آن آبراهه‌ای که آب دریا در آن بود - دست نیافتند، و بر شهرها و قریه‌هائی از سَفَّالَه زنج (موزامبیک) چیره شدند. این همه چیزی است که می‌دانیم.

سپس ناخدا بزرگ بر گفتار راوی که گفته ایشان از راهی یکساله بدین سرزمین آمدند، چنین افزوده است: «اگر سخن و حکایت ایشان در این باره که از راهی یکساله آمده‌اند، راست باشد، نشان دهنده صحت گفتار ابن لاکیس - راوی خبر - است درباره جزائر واق واق که این جزائر روبروی چین جای دارند؛ اما خود بزرگ از ناخدا حسن سیرافی نقل کرده که وی کشتی برای رفتن به سرزمین «زابج» (جاوه کنونی، یکی از جزیره‌های اندونزی) تجهیز

ابن خردادبه از نخستین جغرافیدانان مسلمان است که جزیره واق واق را یاد کرده است. وی که تحریر نخست کتابش، یعنی المسالک و الممالک، به سال ۲۳۲ هـ. باز می‌گردد، دومین تحریر آن از سال ۲۷۲ هـ. در نمی‌گذرد، گفته است (ص ۶۹): «در خاور چین سرزمین واق واق جای دارد. در آنجا زر فراوان است، چندان که ساکنانش زنجیر سگان و طوق بوزینگانشان را از زر می‌سازند، و از آنجا پیراهنهای بافته از زر، برای فروش می‌آورند؛ و در واق واق آبنوس نیکو هست».

بر این بنیاد، جزیره واق واق در خاور چین است، لیک ادیسی (۹۲-۱) همین وصف را (یعنی بسیاری زر و ساختن زنجیرهای زرین برای سگان و بوزینگان) درباره شهر کیوه از جزایر سیلا آورده است.

در نظر اصطخری (ص ۱۲۲) هم به پیوندی میان چین و واق واق باز می‌خوریم. او می‌گوید: «از بحر محیط در حد چین و بلد واق واق...». همچنین ابن سعید در جغرافیا (ص ۸۹)، هنگامی که از درآمیختن دریای هند با بحر محیط (پاره جنوبی اقیانوس اطلس) یاد می‌کند، می‌گوید: «بحر محیط را بحر واق واق نیز خوانند؛ و میان بحر این سرزمین و بحر محیط کوه افراشته‌ای هست؛ و آن سرزمینی بزرگ باشد». سپس اسطوره‌ای از مسعودی نقل می‌کند که «در سرزمین واق واق درختی است که گیاهی چون ترنج از آن بدرآید و دخترانی از آن زاده شوند که از مویهایشان آویخته باشند و هر یک فریاد کنند: واق واق. پس هرگاه موی ایشان ببرند و از آن درخت بازشان گیرند، بمیرند. و گویند که زر در این جزیره فراوان است.»

این متن منقول از مسعودی، در کتابهای بازمانده از وی موجود نیست؛ هر چند ادیسی هم آن را به مسعودی نسبت داده و سپس

آن نیست - از مغرب تا قَلْزَم را فرا گرفته تا جائی که به واق واق چین می رسد، و واق واق چین بر خلاف واق واق یمن است، زیرا از واق واق یمن زَر نِهیره خیزد» (البلدان، ص ۶۳). در حقیقت این نخستین و واپسین باری است که ما اشاره ای در مورد وجود «واق واق یمن» دیده ایم.

ابوریحان بیرونی درباره این بلاد آگاهی‌هایی به دست می دهد که می سزد آنها را در یکجا گرد بیاوریم. ابوریحان در خلال سخنش درباره اقیانوس هند می گوید:

«و اما جزیره های شرقی این دریا - که به مرز چین نزدیک تراند - جزایر زابج هستند که هندیان این جزایر را سورن دیب (سیلان) یعنی جزایر زَر می نامند، جزیره های غربی، جزایر زنج هستند، و در میانه، رم و دیبجات که قمیر از جمله آنهاست و جزیره واق واق از جمله قمیر باشد، و این نام جزیره است، نه آنکه چنان که عوام می پندارند از درختی گرفته شده باشد که بار آن به سر مردم ماند و بانگ کند؛ قمیر قومی اند که رنگشان به سپیدی می زند، کوتاه قداند، بر صورت ترکان و دین هندیان، با گوشه های شکافته. و گروهی از ساکنان جزیره واق واق سیاه اند و مردمان به اینان راغب تراند» (تحقیق ماللهند، ۱۶۹).

آنجا که ابوریحان می گوید: «بر صورت ترکان»، مرادش ترکان آسیای میانه است که چهره بیشترین شان به چهره چینیان و کامبوجیان می ماند (یعنی در چشمان بادآلود و گونه های برجسته همسان اند).

حال هرگاه بلاد قمیر (یا خمیر) همان کامبوج کنونی باشد، آیا بیرونی ما را وادار می کند که بپذیریم که واق واق، همانا پاره ای از کامبوج کنونی است که بر کرانه های آن جزیره های فراوان پراکنده است؟

باری، گفتارهای دیگری که از بیرونی در دست داریم نشان می دهد که وی از یک مسیر دریائی در اقیانوس هند، آنسو تر نرفته است. شاید سفرش را از ماداگاسکار آغاز کرده و به سوی شمال شرقی تا دیبجات سیلان یا سرندیب) و از آنجا به سیلان رفته باشد؛ سپس به طرف جنوب شرقی تا کرانه های سوماترا پائین آمده و از آنجا به زابج (جزیره جاوه اندونزی) رهسپار گردیده باشد؛

کرد و ایشان به قریه ای از جزائر واق واق افتادند، زیرا که باد بدانجا برانداشان (عجائب الهند، ۸).

منابع متأخرتر چیزی بر آگاهیهای ما نمی افزایند و از این لحاظ سودی ندارند. حمیری افسانه زنان واق واق گوی روئیده بر درختان را نقل می کند (الرؤض المعطار، ۶۰۲). زهری نیز همین کلام را نقل می نماید (الجغرافیا، ۱۱-۱۲). در جهان نامه (ص ۹۲) میان دوردست چین و واق واق زرخیز ارتباط می یابیم. در این کتاب (ص ۹۱) همچنین اسطوره گیاهی که به شکل آدمی می روید و هنگامی که از درختش قطع شود، می میرد، آمده است.

نظر دانشمندان جدید درباره سرزمین واق واق، از این قرار است: علامه دوخویه واق واق را در آسیای دور، در ژاپن، دانسته است. البته این نظر را نخستین بار هایشت Habicht^۲ در ترجمه اش از ألف لیلة و لیلة (ص ۲۹۹) که به سال ۱۸۲۵ م. نشر کرد، اعلام نمود. از راهنماهای وی بدین نظر، یکی آن بود که نام ژاپن به زبان کانتونی ووک-ووک Wok-Wok می شود و تازیان واق واق را از آن گرفته اند. گابریل فران^۳ این نظر را رد می کند. وی خود واق واق را در جزیره سوماترا می داند. همچنین فران جائی را در جزیره ماداگاسکار شناسانید که واق واق خوانده می شود.

علامه هول M. Hall، متخصص در تاریخ جنوب افریقای قدیم، که پانزده سال واژه واق واق را به بررسی گرفت، اعتقاد دارد، واق واق نامی است که قبائل بنتوس Bantous بر همسایگانشان، بوشمان Bushman، که در افریقا در کرانه های جنوبی می زیستند، اطلاق می نموده اند.

و اما درباره درختی که شمار زیادی از نویسندگان مسلمان از آن یاد می کنند، دوخویه با عالمان ژاپنی نامه نگاری نمود، ولی کوشش وی بی ثمر ماند و هیچ نشانی از آن، چه در گیاهان ژاپن و چه در فولکلور ژاپنی، یافت نشد (تعلیقات استاد اسماعیل العربی بر کتاب الجغرافیا از ابن سعید، ۲۲۶-۲۲۵).

در اینجا، متنی را می آوریم که بر آشفستگی حول این موضوع می افزاید. ابن فقیه که اثر خویش، یعنی البلدان، را اندکی پس از ۲۸۹ هـ. به پایان برده، می گوید: «بحر کبیر - که در جهان دریائی بزرگتر از

AL-DAYAT MONDAY 21 AUGUST 2008 ISSUE NO 13076

۱۶ آگوسته
تراث

ملا قتل المغرانیون العرب عن موقع الجزيرة؟
إعادة اكتشاف بلاد الواواق واق

یوسف الهادی *

این مقاله در شماره ۱۳۰۷۶ از مجله «الذیارات» در شماره ۱۶ آگوسته ۲۰۰۸ میلادی درج شده است. این مجله در لندن چاپ می شود و به زبان عربی است. این مقاله در شماره ۱۳۰۷۶ از مجله «الذیارات» در شماره ۱۶ آگوسته ۲۰۰۸ میلادی درج شده است. این مجله در لندن چاپ می شود و به زبان عربی است.

نیست که قابل مناقشه علمی نباشد و از نقد بر کنار ماند، ما - بنابر اساس نصوص تراثی - می‌پنداریم که جای جغرافیائی جزایر واق واق شاید جزیره کوکوس کیلینگ Cocos-Keeling باشد که در اقیانوس هند در جنوب غربی جاوه (زایج کهن) جای دارد و هم اکنون تابع دولت استرالیاست.

می‌توانیم این نظر را به واسطه آنچه ناخدا بزرگ در عجائب المهند (ص ۸) گزارش کرده، تأیید کنیم. همانگونه که در آغاز این گفتار آوردیم، وی می‌گوید که ناخدا حسن سیرافی کشتی‌ای برای رفتن به سرزمین زایج (جاوه) تجهیز نمود و به قریه‌ای از جزایر واق واق رسید، زیرا که باد (یعنی همان بادهای موسمی) کشتی را بدانسورانده بود. قابل توجه است که توصیف مکانی‌ای که از منابع برداشت می‌کنیم، دقیقاً نشانگر این جزیره است که جزایر کوچکت‌ر در پیرامون آن پراکنده می‌باشد. این معنای عبارت «جزایر واق واق» است، و نه یک جزیره تنها، که در برخی از این منابع مشاهده می‌شود.^۴

*

۵، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۱۱) از کتاب A History of Arab-Islamic Geography (نوشته سید مقبول احمد، محقق هند، چ عمان، ۱۹۹۵ م.) سخن گفته‌اند و آن را پس از تألیف کراچکوفسکی اثری شایسته شناسانیده‌اند. ایشان درباره کتاب نوشته‌اند که «با ضمیمه‌ای درباره جزیره واق واق و اصلاحات ادیسی در نقشه بطلمیوسی پایان می‌گیرند» (همانجا).
 بطبع مراجعه بدین کتاب برای بررسندگان موضوع جزیره واق واق بی فایده نخواهد بود.

متن عربی ألف لیلة و لیلة را منتشر ساخت (نگر: فرهنگ کامل خاورشناسان، بدوی، ترجمه خاکرند، چ ۱، ص ۴۴۸).
 ۳. Gabriel Ferrand (مرگ: ۱۹۳۵ م.)، مستشرق فرانسوی پژوهنده درباره فرهنگ شرق دور و مسلمانان ماداگاسکار. وی مروج الذهب مسعودی و سفرنامه ابن بطوطه را تجدید طبع نمود (نگر: الأعلام، الزکلی، ۱/۲، ۱۱۱).
 ۴. استاد ایرج افشار در یادداشتی کتاب‌گزارانه زیر نام «جغرافیاهای مسلمانان» (جهان کتاب، س

پی‌نوشت‌های ترجمان:
 * اصل تازی این نوشتار - که به لطف نویسنده ارجمند آن - برای میراث مکتوب، فرستاده، در جریده الحیة (مورخ ۲۱ جمادی الاولی ۱۴۲۱ هـ. ق) منتشر شده.
 ۱. دوست و برادر ارجمندمان، استاد یوسف الهادی، از تعبیر «جغرافیدانان عرب» استفاده کرده‌اند که ما اصلاح کردیم.
 ۲. Maximilian Habicht (۱۷۷۵-۱۸۳۹ م.) خاورشناس آلمانی و نخستین کسی است که

و از همین رو وی از این جایها نزدیک به هم و بدون فاصله زیاد سخن می‌گوید. او در تحدید نهایات الأماكن (ص ۱۰۸) می‌گوید: «خط استواء از جهت مغرب در دریا آغاز می‌شود... آنگاه بر سفاله زنج (موزامبیک)، بالای نوبه، و سپس بر جزائر دیبجات و واق واق و جزائر زایج در ناحیه مشرق گذر می‌کند».

در قانون مسعودی (۵۳۷/۲-۵۳۸) از بحر اعظم واقع در جنوب ربع مسکون سخن می‌گوید که فراگیرنده است «از سرزمین چین تا هند تا زنج» را؛ «و در این مواضع جزیره‌های فراوان هست مانند زایج و دیبجات و قمیر و واق واق و زنج».

ممکن است که در نامهای پیشگفته، تحریف رخ داده باشد، مانند این که یکی از رونویسگران الف «زایج» را فروانداخته باشد تا «زنج» یا «زنج» گردد، یا یک الف به «زنج» افزوده باشد که «زایج» یا - پس از تغییر محل نقطه نون - «زایج» شود.

چون هیچیک از احتمالات طرح شده - که غریب‌ترینشان نظر علامه هول بود که واق واق را در افریقا نشان می‌داد - چنان

با عنایت و الطاف خداوندی، فروشگاه مرکزی «مرکز نشر میراث مکتوب»، واقع در خیابان انقلاب، مجتمع فرهنگی فروزنده، شماره ۲۱۷، در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۵ با حضور جمعی از اساتید و دوستان فرهنگ ایران اسلامی افتتاح شد. این فروشگاه، اولین مرکز تخصصی عرضه و فروش متون کهن در ایران است.